

طراحی گرافیک از ویکتورین تاپستمدرون (۱۰)

ترجمه شروین شهای پور



در سال ۱۹۳۱ مقاله‌ای می‌گوید ملکه‌های برجسته رنگ برای مردمی که در زندگی روزانه‌شان چیزی جز می‌وهی و ملامت نمی‌بینند، برجسته است. در سال ۱۹۳۴ نظریه‌ی تحت عنوان فرمالیسم سوسیالیستی، که توسط استالین و ماکسیم گورکی مطرح‌ری شده بود، در نخستین کنفرانس نویسندگان شوروی مطرح شد. رئالیسم سوسیالیستی، فرمالیسم و هنرهای تجسمی و طراحی را مردود می‌شمرد و آن‌ها را تأثیرات بورژوازی بر هنر می‌بیند. تصاویرهای سنگین و رهبران و کارگران جایگزین طرح‌های انتزاعی شد و همین‌طور تابلوگرانی پویا و پرتحرک جای خود را به یک تابلوگرایی خشک و سراسر داد.

با این که نقاشی فگوراتیو رحمان یافته بود، اما عکسی و مونتاژ هم مورد قبول بود و ادامه یافت و کسانی چون اِلکساندر دچنکو در این زمینه به فعالیت پرداختند.

هنر پیشرو را نمی‌بستند، بلکه برای مسائمت از بهره‌جویی اصلاح‌طلبان کارورزان این هنر را واداشتند تا از شیوه‌هایشان دست‌بکشند. با به قدرت رسیدن استالین، بسیاری از آثاری که هنوز راضی به فدا کردن ایده‌آل‌هایشان نشده بودند، تحت فشار تهدید قتل گرفتند. آن‌ها به سرکشی‌های بدتری در شوروی دچار شدند.

با این وجود، استالین قدرت تصویر را در جامه‌ی که شمار زیادی از جمعیتش بی‌سواد بودند ارج می‌نهاد، او درک می‌کرد که هنر عامیانه ابزار ارتباطی حاضر و آماده است، با وجودی که جنبه‌های سنتی و اغلب مذهبی آن‌ها را رد می‌کرد.

پس به واسطه‌ی مسقیم برای آموزش مردم در تئوری زمینه‌های زندگی روزمره تبدیل شد، از فایده‌ی حاشه گرفتن تا توضیح در مورد راندن تراکتور و اعلام خطر نسبت به کاهلی، مستی و اسراف.

با وجودی که هنرمندان اولگارد شوروی در اشاعه انقلاب بسیار پرحرارت بودند، اما نئین چندان مطمئن نبود که این زبان تصویری انتزاعی بتواند با جمعیت آگتراً بی‌سواد، ارتباط برقرار کند. او گمان می‌کرد که ساختار گرایان و محصول‌گرایان جوان و پیشرو دست‌بر کار زیبایی‌شناسانه پنهانی دارند که نیازهای یک دولت نوپا را برطرف نمی‌کند. نئین دستورکار خود را داشتند او می‌خواست با یک تکان ناگهانی مردم روسیه را از جنبه‌های شاد بیرون بکشد. هنرمندان انقلابی با این اعتقاد که هنر نوین‌شان به این هدف ناآلی می‌شود، بر این باور بودند که ایده‌های پیشرو هنری، ایده‌های پیشرفته سیاسی را نمایان می‌کند. از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۲ به تلفظ آناتولی لوناچارسکی طراحی گرافیک هنر شوروی تجربیات جسورانه خود را در خدمت تحولات اجتماعی فرار داد. اما از زمانی که انقلاب پای به مرحله‌ی محافظه‌کاری فرزانده گذاشت، رهبرانی که


رئالیسم حماسی HEROIC REALISM



شدهای آرذکو و فوتوریسم برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کردند.

هنر عقیده‌ی را شکل داده بود که براساس آن عوام انقلاب‌پذیر شناخته می‌شدند. در تبلیغات او هیچ جایی برای کیفیت نبود و به همین دلیل در آثار این دوره چیزی برای تفسیر وجود ندارد.

رئالیسم حماسی در دوره استقرار دولت‌های دموکراتیک غربی به‌هیچ وجه رشد نکرد، مگر در دوران جنگ و برای استفاده‌های خاص.

در دوران جنگ دوم جهانی دستاوردهای مدرنیست‌ها توسط مهاجران اروپایی به آمریکا و انگلیس رسید تا بعداً گراییک پس از جنگ را در آن‌جا بر زمین نشاند. امروزه رئالیسم حماسی در کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق هنوز به عنوان سبک گراییک رسمی به حیات خود ادامه می‌دهد. 

خود و با اقتضای این شرایط که بیان هیولایی هنرمندانه و الودگی هنری اعلام می‌شود.

هنر و جوزف کویتز وزیر تبلیغات نازی فرم‌های رمانتیک و کلاسیک کلاسیک و اس‌پرن‌های فرامی‌داده که به سبک رئال طراحی می‌شدند. جایگزین هنرمندان کردند. پوسترم‌های تبلیغاتی برای ارتش نازی طراحی می‌آید در به قدرت رسیدن حزب نازی نقش داشتند. زمانی که رادیو تعطیل بود سینما تاریخ و برگزاری جلسات سیاسی ممنوع بود. پوسترها در گوشه و کنار شهر به چشم می‌خورند.

Mjolnir یکی از اساتید پوستره‌های سیاسی تبلیغاتی، وکیل نمایان‌خبر را پیش برای فرمولاسیون هنری بود. لوگویک هولوبین به خاطر قدرتش در نشان دادن زیبایی‌های آریایی گنجه‌ی برای رژیم نازی محسوب می‌شد.

در ابتدای فاشیست، طراحان در تبلیغات از

تأثیر رژیم شوروی نبود که موضعی تهاجمی نسبت به هنر آواگارد اروپا داشته. پس از پایان جنگ جهانی اول هنرمندان و طراحان مدرنیست در آلمان از سازمان‌های سیاسی چپ علیه جنگ‌سالاری نظامی‌گرایان و حزب ناسیونال سوسیالیست آتلوفا حمایت می‌کردند. در سال ۱۹۲۹ آلفرد زیورنگر اینتلوگ نازی انجمنی فرهنگی را برای مبارزه با آثار آواگارد بنا نهاد.

هنر با به قدرت رسیدن‌اش در سال ۱۹۳۳ با اثر سین بردن تمامی نمادهای سمبولیک و حقیقی، انتقارش را از هنرمندان مخالفش گرفت. او در سال ۱۹۳۷ در مراسم افتتاحیه نمایشگاه هنری در خانه هنر آلمان پرخاشگرانه می‌گوید: «کارهای هنری که قابل فهم نیستند و یا نیازمند یکسری توضیح هستند، تنها نزد روان‌پزشکی حق حضور دارند که پذیرای چنین حماقتی باشند و دیگر بهره‌ده ملت آلمان نخواهند